



به همت توده ها، دانشگاه همچنان  
 سنگ مبارزه در راه آزادی و استقلال  
 باقی خواهد ماند!

# نوطنه اشغال دانشگاهها و مواضع سازمانهای سیاسی (سازمان مجاهدین خلق و سازمان چریکهای فدائیی خلق)

به مرحله عمل درآمد. بر این اساس مقاومت دانشجویان در برابر هجوم ارتجاع به دانشگاه، جنبش از راه مبارزه و جنبش توده‌ای - جنبش دانشجویی - در برابر سرکوب ارتجاع مستورا موش کردن یکی از کانونهای مبارزه و تساد و م انقلاب، نمی توانست مطرح باشد. بلکه همین مقاومتی بوده در برابر برتلاش حکومت برای خاموش کردن کانون آگاهی و

انداختن چرخهای اقتصاد کشور برای مبارزه با وابستگی به آمریکا، سرکوب جنبش انقلابی دانشجویان، به بهانه نهم - ها و قطع وابستگی فرهنگی به آمریکا... آنها رژیم بهتر از این می توانست فرصتی بدست آورد و هجوم سراسری خود را به انقلاب آغاز کند؟

در باره تازم ترین حرکت ارتجاعی هیئت حاکمه - سریش به دانشگاهها - ماطی اطلاعیه ها، تراکت ها، اعلامیه های متعددی مواضع و تحلیل هایمان را از زبان حرکت ارتجاع نموده و دانشجویان هوادار زمان نیز در دانشگاهها همسین با به عمل کرده اند. بنا بر این از هرگونه توضیح مفصلی در - باره این حرکات، خودداری ورزیده و با یک توضیح کوتاه بهر آزمون آنها، مواضع ما بر جریان سیاسی (ما زمان ما هدین و سازمان ج.ف.خ) را در برابر این حرکات طی چند روز گذشته مورد ارزیابی مختصر قرار می دهیم.

هیئت حاکمه زمان مناسبی را برای تحقق نقشه های شوم خود انتخاب کرده است. زمانیکه در آن بحرانسی بر روابط سیاسی ایران و آمریکا از یکسو و ایران و عراق از سوی دیگر سا به انداخته است. هیئت حاکمه می کوشد تا این بحران و اختلافات را به سکوی برای پیش بسمت یک قدرت متمرکز و تشبیه شده، از طریق ایجاد وحدت در میان جناحهای مختلف قدرت سیاسی و فرونشاندن و سرکوب مبارزه طبقاتی و امواج روبه گسترش و اعتلای انقلابی در سراسر کشور، تبدیل نماید.

آری، دانشگاه زمانی مورد هجوم قرار می گیرد که در کستان ابزارهای سرکوب ارتجاع، دور میگری از کشتار خونین خلق کردار آغاز کرده اند، در کارخانه جواختن خلق و سرکوب روز بروز گسترش می یابد تا گرگان غما رزای خراج، دستگیر موشی محکوم به اعدام می شوند، در ارتش لوانیج فدا انقلابی به منظور سرکوب ارتشیان مبارز با وابستگی انقلابیون و مبارزان کمونیست، توسط پاندهای سیاه هدایت شده از "تورمی" شوند... هجوم یک هجوم سراسری است و دانشگاهها تنها گوشه ای - و آتشم گوشه ای - نیستیم - از راه نمایش می گذارد.

هیئت حاکمه و سبزه دار روسته، حزب جمهوری اسلامی در طی مدت بیشتر از یکسال که از قیام بهمن می گذرد، هواره از وضعیت که دانشگاه - این سنگر آگاهی و آزادی - بخود گرفته و به مرکزی برای افشای امپریالیسم و هیئت حاکمه تبدیل شده است و بمشاوران یکی از دستاوردهای ارزشمند بهمن، در جهت بیداری و آگاهی کارگران، زمین کشاورزان و توده های مستعبد و ماکامهای موشی برداشته است، تنگنایان بوده و هر بار به تنگنای کوشش نموده اند تا آنرا زیر سیطره اجتنابی خویش در آورند. اما بدلیل جوش جنبش توده ای از یکسو و پیش جنبش انقلاب در دانشگاه و گرا بیش روز افزون توده های دانشجوییست جنبه نیروهای انقلابی و سبزه داران انقلابیون کمون - نیست. ما در سبزه داران که نقشه شوم خود را عملی ساخته و دانشگاه را بجای سنگر آزادی به قیستان آزادی تبدیل نمایند.

تربیت سیاسی توده های وسیع مردم - به صورت درسی این نهادیم، دانشگاه به تصرف ارتجاع درآمد و فاسد سازی دانشجویان مبارز، به مثابه بخشی از دستاوردهای قیام بهمن ماه، پس از مقاومت سراسری دانشجویان انقلابی، از آنان باز پس گرفته شد. اینکه آیا هیئت حاکمه قادر است دانشگاه را به تصور خود مسمی - خواهد در دنیا و دریا نه؟ و اینکه آیا قادر است این سنگر مقاومت را برای همیشه و برای مدتی مدیده تصرف خود در آورد، مسئله ای است که از هم اکنون قابل پیش بینی نیست و به عوامل زیادی از جمله روند اعتلای انقلابی کشور و سرعت آن، موازات میان نیروهای انقلاب و فدا انقلاب، کیفیت و عملکرد فدا های درونی هیئت حاکمه و... بستگی دارد. دور همین رابطه سیاست و تاکتیک و مواضع نیروهای سیاسی نیز میان این از نقش و اهمیت قابل ملاحظه ای بر - خوردا راست، برای روشن شدن این موضوع نگاه به روش و تاکتیک هیئت حاکمه در جریان این نهادیم بطور کلی هجوم سراسری به انقلاب ضروری است. آنچه که مفروضه تا کنون کلی هیئت حاکمه را تشکیل می دهد سیاست و استناد هر چه بیشتر از نیروی خلق علیه خلق در کانون مبارز سرکوب (ارتش، سپاه پاسداران...)، نظامهای فذخلقی در اوضاع و احوالی نظیر شرایط فعلی ما که ما همه در بحران همه جا نهمه سیاسی - اقتصادی است، ابزارهای سرکوب هنوز از انجام لازم بر - خوردا نیستند و رژیم با بخشی از توده ها که به ما مل آگاهی دست یافته اند در سرباز است. به این تاکتیک (استفاده از بخشی از توده های مردم علیه بخشی دیگر) متوسل شده و میکوشد ضعف و ناتوانی شان را در استقرار نظام ارتجاعی از این طریق جبران کنند. نتیجه این چنین مجموعه ای از اوضاع و احوال سبب میشود که هیئت حاکمه در کانون استناد همه جا نهمه از ابزار سرکوب خویش (ارتش سپاه پاسداران...) بخشی از توده - های مردم را که بدلیل توهم شان هنوز اعتقاد خود را نسبت به او دست نداده اند، بر علیه بخش دیگری بسیج نموده و آتش جنگ را در میان آنها بزماءرود.

هر چه جنبش انقلابی توده های وسیع تر و اقشار روگروه های جدیدتری را در بر می گیرد، بزنجیر توطئه و سرکوب هیئت حاکمه نیز طول بیشتری با بدویرتعداد دفعه های آن افزوده می - گردد. آری جمله به دانشگاه تنها طبقه ای از این زنجیر - سرکوب است! دانشگاهها تنها یکی از کانونهای برخورد است که مبارزه طبقاتی در آن جریان دارد و چون انقلاب در کجای آن می جودد، اما دانشگاهها تنها بمشاوران یک کانون سیاسی طبقاتی و بمشاوران بخشی از جنبش توده ای که در صف انقلاب حضور دارد مطرح نیست. دانشگاهها همچنین وسایل پرورشی اجتماعی و سیاسی اش نقش یک پشت جبهه فعال برای کسب جنبش انقلابی میهن را ایفاء می کند. دانشگاهها مرکزی است که بحکم موقعیت خود بنقله های پر فروغ آگاهی و رانسانسج وسیعی در میان توده های نا آگاه مردم می پراکند. زمانیکه نمی بر پیش انقلاب در کستان می طبد، زمانیکه مبارزه طبقاتی در کارخانه و مزرعه، در کجوه و خیابان می خروشد و در همان زمان که حکومت با تمام قوا می کوشد تا صدای این کانون های بر پیش مبارزه و انقلاب از مرزهای سرزمین - دلوار در کستان، از زما رنگ کارخانه و روستا و... به خارج سرایت نکند و کانون های جدیدی از مبارزه و انقلاب را در سراسر کشور برپا نکند، دانشگاهها، دانشجویان مبارز، همچنین یک های انقلاب، بذر آگاهی را در میان وسیع ترین توده های مردم می پراکنند و کوشش را به تشبیه آوای انقلاب در کستان، ترکمن معرا و تمام مراکز که انقلاب در آن حضور آتکساری دارد، فرا می خوانند. چنین کانونی چگونه می توانست برای رژیم قابل تحمل باشد، آنهم در زمانی که هیئت حاکمه یک و سرکوب در کستان در بدست رژیم فذخلقی هرد بیشتر از نهمه می کند. و چنین بود که سراسر نظام مقاومت رژیم سرآمد و بیوش به این سنگر آگاهی و مبارزه در دستور کار قرار گرفت و سراسر نام

اما سراسر نهاد مروجند اعتلای انقلابی در سراسر کشور و افزایش پیش از پیش حرکات انقلابی در کانون برخورد و انقلاب، طاقت هیئت حاکمه را طاق کرد و او را در نمود که در بسی خدارک دور دیگری از نهادیم سرکوب به انقلاب در سراسر کشور و سبزه دار مرکز جوشان آن در کستان، نهادیم سراسری، وسیع و همه جا نهمه ای را به دانشگاهها آغاز نماید.

بدیده ما این نهادیم طبقه ای از زنجیر بیوش و سرکوب سراسری جدیدی است که زمینه های آن از مدتی پیش فراهم شده و تا روز عوارض آن از زمان زمان قابل رویت بود. این نهادیم سراسری که دور دیگری از سرکوب را برای انقلاب به ارمان می آورد، انعکاس روشنی از تمایل و نیاز قابل فهم هیئت حاکمه به ایجاد "تخت" و "تخت" در کشور با بیان دادن به وضعیت کنونی است. ثبات حکومت و با زمانی هر چه سر بر تکرار سراسر مایه های وابسته ای است که روز بروز بیشتر در محاق بحران و فروپاشی فزونی رود.

هیئت حاکمه برای اینکه بتواند در این تاکتیک مردمی خویش موفق شود، ناچار است برای تحریک احساسات توده های نا آگاه، برای توجیه جنایات خود در مقابل مردم و نا لایحه بسیج آنها بر علیه جنبش انقلابی، به بیشتر ما نه ترین دروغها، شوم ترین نقشه ها و جنایتکارانه ترین اعمال متوسل شود.

هیئت حاکمه زمان مناسبی را از جنبه برای تحقق نقشه های شوم خود انتخاب کرده است. زمانیکه در آن بحرانسی بر روابط سیاسی ایران و آمریکا از یکسو و ایران و عراق از سوی دیگر سا به انداخته است. (ما در اینجا کاری به ما هیئت این بحران نداریم که در تریه بیکار و اعلامیه های سازمان آن را توضیح داده ایم). هیئت حاکمه می کوشد تا این بحران و اختلافات را به سکوی برای پیش بسمت یک قدرت متمرکز و تشبیه شده از طریق ایجاد وحدت در میان جناحهای مختلف قدرت سیاسی و فرونشاندن و سرکوب مبارزه طبقاتی و امواج روبه گسترش اعتلای انقلابی در سراسر کشور، تبدیل نماید. و این بهترین فرصت سیاسی است که رژیم می توانست بدان دست یابد. سرکوب جنبش، جنبش انقلابی در کستان و به وسیله ارتش ضد خلقی و سپاه پاسداران ارتجاعی به بهانه استقرار در مرزهای غرب کشور برای "مقابله با تهاجم و تهاجم ارتجاعی" سرکوب جنبش کارگری در کارخانه ها (جنبش علیه نظمتستگیرانسه سرما به داری وابسته، بمشاوران ایقامی امپریالیسم آمریکا در ایران است) به بهانه افزایش تولید و سراسر

## پرچم مبارزه ایدئولوژیک را برافراشته تر سازیم

و به همین دلیل است که خلقهای ما بیشتر از یکسال است دروغهای انواع و اقسامی را از پشت و دپوتولویزیمون واپسته به رژیم جمهوری اسلامی نپذیرفته اند. آنها خودتجربیک می کنند، کشتار می کنند، توده های آگاه مردم و انقلابیون را مورد آزار و توهین و تشویش قرار می دهند، اما برای فریب توده ها متماثلاً قفا یا زار و رونه جلوه می دهند. برای سرکوب خلق کردیکبا رما صره زنان در سنج و سربردن با سدا زان و... علم میشود و یکبار دیگر جنگ گردوترک و بار دیگر دفاع از جناح و زوات عراق و مانند آن انقلابی از رفتن ارتش به مرزها و... و خلاصه اینکه رژیم جمهوری اسلامی در لاف زنی، دروغ گوئی و جنایتکاری روی بسیار از رژیم های مشابه خود را سفیدی می کند. در اینجا لازم است به این موضوع هم اشاره کنیم که جناح های مختلف هیئت حاکمه یکبار این هدف را پیش نمیبرند و از زمین لحاظ با یکدیگر اختلافات آشکاری دارند. ما نباید سب و آزار بجای می آوریم. "حزب جمهوری اسلامی" که رهبران آن در شورای انقلاب نیز حضور دارند به وجهی نه تریب و عقب مانده ترین شکلی برای پیشبرد هدف عمومی هیئت حاکمه تلاش می کنند. رهبری این حزب برای شوراندن توده های مردم علیه انقلاب - بدون کمونیت و دیگر نیروهای انقلابی از هیچ کوشش جنا پیکار نه ای فروگذار نمی کنند و برای کسب هر چه بیشتر قدرت در هیئت حاکمه از هر طریق که بتواند اقدام عمل می گردد. بعنوان مثال همین جریان حمله به دانشگاه و راه در نظر بگیریم. ابداء سیاسی و هدف کلی که عسارت از تصرف دانشگاه عالی کردن آن از فعالیت گروه های انقلابی دانشجویی و... بود در نتیجه شورای انقلاب و بنی مدرو... یکی بوده همگی خواهان انجا بود متعلق آن بودند. اما چند روز قبل ما ساداتی که توسط "انجمن دانشجویان مسلمانان" افتادند نشان داد که حزب جمهوری اسلامی قصد داشت که با اینکارد خود را از طریق انجمن های اسلامی دانشگاهها وارد عمل شود و در برخی جاها نیز وارد عمل شد. حزب جمهوری اسلامی برای قبضه کردن دانشگاهها از طریق حاکم های مکتور و برای اجرای نقشه های خویش به شروع عملی دست می زدند. برای پیشبرد هدف مذکور، از طرف جناح دیگر هیئت حاکمه به نمایندگی بنی صدرات کتیک دیگری بنا گرفته می شود. بنی صدرات همپسودن همان راه حزب جمهوری اسلامی را مدنظر دارد. لیکن از شیوه های رباکارانه - ترویجی و ترویجی بورژوازی استفاده می کند. این سیاست در چهارچوب کلی خود چیزی خارج از همان "منطق جماعتی و نشان شیرینی که ما در پیکارهای قبلی بدان پرداخته ایم نیست. بنی صدرات کوشش می کند که در لباس "آزادخواهی" و "دموکرات" شما را "آزادبها" را سرکوب کند و همه جا را در قبضه قدرت رژیم جمهوری اسلامی درآورد. بنی صدرات از این جهت که حزب جمهوری اسلامی "عاقبت" است و سبک را با پیشورت "قانونی" می دهد. اوسمی می کند در صف انقلاب تفرقه بیندازد و نیروهای متزلزل را بیست سیاست های خود پیکار دنیا جدا قسبل خنثی کرده و با منیف تر کردن صف انقلاب بر آن بتازد. بنی صدرات برای استفاده از دستجات فالتنظیر چماقداران و سایر انجمن های اسلامی و دسته حزب جمهوری اسلامی، توده های مردم را به ادغام نگاه می کشد و این همان چیزی است که در سخنرانی نوروزی خود، برپا به بهیما مآبت الله عظیمی نویسنده را می داد:

"اگر من رئیس جمهور منتخب شما از پشت و دپوتولویزیمون بودم، بیون گفتم که در فلانما فلان شهر آشوب کرده اند. اگر من در دست دارم، زمین بگذارید و به آتش تاحسبا بروید...!"

و این در یک کلام یعنی جنگ داخلی، یعنی آشوب و یعنی برانگیختن خلق علیه خلق و این تا کتیک بنا بت شوم، ارتجاعی و محکوم شکست است.

بنی صدرات در جریان هجوم به دانشگاهها در هدف نبود. بلکه در روش بود. هرگاه ما آنها بحکم موقعیت خود برای رسیدن به هدف، روش را جستجو می کردیم موقعیت آنها را عمل او را در این جریان حفظ نمی نمودیم و سلبش را بر این نهادیم و جوسود آورد. به همین ترتیب دیگر موقعیت هر یک را در مجموعه قدرت سیاسی تقویت نمی کردیم. حزب جمهوری اسلامی، بنا تکلیف بر تشکیلات سراسری و سازمانها و دسته ها و سینه خود در سراسر دانشگاهها (انجمن های اسلامی...) تلاش کرد تا "انقلاب فرهنگی" در دانشگاهها جاری کند و دانشگاهها را به شیوه خود درآورد و دودینی - مدرکها فادیک چنین تشکیلات و نهادهای سازمانها را فتنه ای بود، "مردم" را به بیاری گرفت و فرمان لشکرکی توده های نا آگاه مردم را به ادغام دانشگاهها مژد کرد. و همتا را داد که هیچ

دسته و گروهی حق ندارد در اجزای "قانون" و "دولت" چنین برنامهای را به پیش برد. اگر روش "حزب جمهوری اسلامی" تجلی عربان هدف مورد نظر منی سرکوب دانشگاهها با زبسی گرفتن دستاورد های انقلابی در این کانون مبارزه و تدویم انقلاب، براد خود متعسف میساخت، بدون آنکه هیچ گونه بهره پویشی صورت گرفته باشد. روش بنی صدرات در این لایسه ضمیمی از موازات فریبی و روشهای به اصطلاح "قانونی" مردم - پسند بهیچان می ساخت و از این لحاظ نیز خطرناک تروربا - کارانه تر بود.

اما موضعگیری نیروهای انقلابی در چنین لحظاتی که یک رخداد مهم مرکز توجه توده های وسیع مردم تبدیل میشود، در لحظاتی که حمله به بخشی از دستاورد های قیام خونین بنی صدرات در دستور قرار می گیرد، در لحظاتی که جنبش توده ای (در هر بخش خود) محتاج رهسوردهای انقلابی ای است که بتواند - مسا زره را بتغ خلق و بزبان فدا خلق به پیش ببرد، در لحظاتی حاسی که در پهن خود به اندازه ما هها با رفتارگری و انتقال آگاه می شود، توده ها را حمل می کند و با لاف در لحظاتی که هیئت حاکمه میخواستند تا کتیک فدا خلقی اش را بچیند... آری

مجا همدین خلق برای این قاندر برک اتحاد و اتفاق نظر اساسی هیئت حاکمه در مقام بهیبا انقلاب نبوده و نشان داده اند که تطبیل هایشان و به تبع آن تا کتیکها می که انشاد نبوده اند بر مبنای آنچه که در سطح می گذرد و تجلی بهیبا می - کند استوار نگشته است و بنا بر این حرکت از بیابگی تا درست به اداری روسته "حزب جمهوری اسلامی" تا خنده و توبیلا فایده بهاد سیاست لیبرالی گرفتار شده اند. گذشته از مصلحت اندیشی های رهبری مجا همدین خلق و موضع مفا شات جویانه ای که در فضا ل مسا ثل جاری در اینجا و آنجا اتفاقا نبوده اند اتفاقا دما سه اساسی صف و تزلزلی است که در مواضع این سازمان رخ نموده و در طول یکساله پس از قیام مرتضی از ظرفیت انقلابی انسان کایت و در عرصه سیاست مدام آن را از مواضع رادیکال انقلابی به مواضع لیبرالی و سازگارانگرا نزدیک نموده است. سکوت و عدم موضعگیری در قبال سرکوب گردنه نشان در تا بهیبا گذشته که امروز نیز دقیقاً تکرار میشود، افتادن بهادام هیا هسوی تبلیغاتی هیئت حاکمه در مبارزه فدا میدار لیبرالیست، سیاست های تا درست و بنا بت لیبرالی دولتیال انشاد تا بت مجلس شورای ملی، دوری جستن از قطب انقلاب و کمونیتها، اما در

مجا همدین خلق، با بهیبا اصلی فعالیت سیاسی خود را در چهارچوب پذیرش نظم سیاسی کنونی و قانونیت آن، استوار نموده اند و بهیچ روی حاضر نیستند که با رانندگی از این چهارچوب و قانونیت فراتر نروند و این سرآغا تا زحرفا در خط مشی سیاسی و عملی آنها در دوره کنونی است.

عوض روی آوردن به مفا فل لیبرالی و لیبرالها، دلخوش داشتن به حرکت بنی صدرات از روی در قبال مرتجعین حزب جمهوری اسلامی و... طبله زنجیری است که سازمان مجا همدین فعلی را از دستهای پرا افشا رما همدین خلقتی و روحیه عمیقاً انقلابی و رادیکال این سازمان بتدریج دور می سازد. و این نمی تواند تدبیرای انقلاب خطرناک نباشد.

۲ - مجا همدین خلق، با بهیبا اصلی فعالیت سیاسی خود را در چهارچوب پذیرش نظم سیاسی کنونی، وقانونیت آن استوار نموده اند و بهیچ روی حاضر نیستند که با رانندگی از این چهارچوب و قانونیت فراتر نروند و این سرآغا تا زحرفا در خط مشی سیاسی و عملی آنها در دوره کنونی است. مجا همدین می - کوشد تا با بهیچ طریق ممکن این قانونیت را خدشه دار نکند و به راه های کشنده نشوند که حزب سیاسی رژیم را مورد تحساز قرار دهد. مجا همدین در کلیت فعالیت سیاسی خویش بر چنین نظمی گردن نهاده اند و لاجرم عرصه حرکت و مبارزه سیاسی خود را بطور فاحشی در مجاری تنگ و باریکی محدود کرده اند. آنها می کوشند تا فعالیت سیاسی خود را بهیچ طریق ممکن حفظ نمانند. فعالیت علنی جز در چهارچوب قوانین قیسد و بندهای که حکومت و با بهیبا بت بهتر بورژوازی بوجسود آورده است، معنا نمی دارد. محدود کردن فعالیت سیاسی در چهارچوب فعالیت علنی، یعنی در چهارچوب پذیرش نظم بورژوازی حاکم، همانا در فریم و لیبرالیسم است و این یعنی بهیبا رزه طبقاتی، ااجا زنده میمورد مجاری تنگ و باریکی که رژیم سیاسی موجودا جدا کرده است، جریان میابد. چنین خط مشی و سیاستی به معنای کشاندن مجا رزه طبقاتی توده ها بهیبا رزه ای که در هر گام از حرکت خود، به حریم "مقدس" شور - ژوازی و حکومتگران تجا وزمی کند و چهارچوب قانونیت حکومت را زده می کشد، از راه انقلاب به راه فریم مفهوم دیگری ندارد. مبارزه طبقاتی در هر گام رغانه و مزمرعه، در هر موزه و اداره، در کوه و غیابان و در هر گام که زندگی جریان دارد، بهیوسته در جریان جوش و تدا و خویش نظم بورژوازی را مورد تجا و زقراری می دهد. قوانین آن را بزیر پای می گذارد و منافع اساسی طبقات حاکم را به خطر می اندازد. این خلعت قوانین مبارزه طبقاتی است.

در چنین لحظاتی نیروهای انقلابی با موضعگیری اصولی خویش با بهیبا نگرش را رده توده های با شندهای دشمن به مبارزه و مفا و مت دست زده است. ما بهیچانی با شندها راه حرکت توده ها تا سرحد انقلاب هجوم کند. در دفاع و پاسداری از سنگر خویش جا نماند مفا و مت نمایم.

در جریان یورش رژیم به سنگر آزادی، نیروهای سیاسی مختلف با روش و انجمن و لویزیک میزبان کشش خود را در مبارزه با ارتجاع به نمایش گذاشتند. در این مبارزه روحی سخنان بسیار آن نیروهای است که در صف انقلابند و تا کتیک منی تربیت سیاسی - ایدئولوژیک آنان بر توده های انقلابی هوا داران، زبان می آید. بهیبا انقلاب و نیروهای انقلابی که بتدریج از ظرفیت و توان انقلابی جنبش کاسته و لویزیک به نفع فدا انقلاب خوا شد. در جریان حرکت دانشجویان انقلابی، در مفا بل پیوسته ارتجاع دو خط مشی و دودیدگاه متضاد را در عمل شدند. یکی خط مفا و مت و مبارزه و دیگری خط سازش و مفا شات... یکی چنین استدلال می نمود که برای دفاع از دستاورد های انقلاب و حفظ سنگر آزادی و آگاهی ما بت در برابر سرسپاه جهل و تا ریکی، سنگرمفا و مت و مبارزه فدا ل انجا دشمن بود و یکی چنین استدلال می کرد که بندها "موجب تشنج بشوم". اساس اختلاف این دودیدگاه، بر این بود که آیا با بهیبا ارتجاع بطور همه جا نبه ای مبارزه نمود با یا مفا و مت و فقط بهیچانی "افتا" گیری های لیبرالی محدود و از مواضع انفعال اکتفا نمود... در زیر منی کوشش و سوی این دو خط مشی، اشارات و زبانهای آنرا (در چهارچوب برخورد به مسئله دانشگاه) در مواضع سازمان، مجا همدین خلق و سازمان چریکهای فدا خلقی خلق متعسف نما شیم.

### سازمان مجاهدین خلق و مسئله اشغال دانشگاه:

موضعگیری سازمان مجاهدین در قبال اشغال دانشگاهها - ها حلقه ای است از طبله زنجیر است روانه ای که مدتهاست این سازمان در قبال هیئت حاکمه و مسا ثل انقلاب روپیدا شده ای اجتماعی به نمایندگی گذاشته است. با بهیبا سیاسی این خط مشی را تروانه را بهیبا بطور عمده در: الف - از بیابسی انحرافی آنها از جناحی از رژیم (جناح بنی صدرات) و دیناله روی آن، ب - در محصور کردن فعالیت سیاسی و عملی شان در چهارچوب قانونیت رژیم کنونی، ج - جستجو نمود.

۱ - سازمان مجاهدین خلق نشان داده اند که با دنباله روی از سیاست های رباکارانه بخشی از هیئت حاکمه و در عویش موضعگیری "حاد" در قبال بخش دیگر، قاندر برک را بطور ناگسختی میان این مجموعه نبوده و با تکلیف جناحها از یکدیگر جدا را با دما سیاست جناحی از هیئت حاکمه افتاده اند.

## هجوم به دانشگاهها توسط ارتجاع و خواست امپریالیسم است



است بفراتر رفته و در آن مصورمانند تمام تا کتیکها و سیاست‌های روزمره ما زمان معادین حول این خط مشی اساسی شکل می‌گیرد. و به همین جهت مضمون و غلظت رفرمیستی و لیبرالیستی دارد.

ما زمان معادین نمی‌تواند هم‌چنان در چوب قانونی رژیم جمهوری اسلامی را بپذیرد و هم‌درجهت مبارزه طبقاتی و انقلابی توده‌ها حرکت نماید. این خطا قوی‌ترین مست را بر ما تحمیل کرده است. در جایی شکست و تکلیف‌نهایی خود را تعیین نماید. بدون تردید مبارزه توده‌ها، فارغ از "هندا رها" می‌خواهد باشد. معادین به آنها که در مبارزه "زیاده‌روی" نکنند! سیر روبه‌امتنی خود را طی خواهد کرد و در هر گام خود حدود قانونی حکومت را مورد تعرض قرار خواهد داد. و ما معادین اگر نخواهند سیر چنین حقیقتی کردن ننهند! اگر بخوانند کماکان بر چنین محدودیتی در خط مشی سیاسی و فعالیت‌های عملی خود پایداری نخواهند داشت. و با توجه به این که در این معادین به ما هیت و کیفیت حکومت کنونی ما قلمی می‌ماند بدون شک از مبارزه طبقاتی توده‌ها فاصله خواهند گرفت و در مسیر خلاف جهت آن به حرکت درخواهند آمد.



با ری. گفتیم که تمام سیاست‌ها و تا کتیک‌های ما زمان معادین در قبال رویدادها و حوادث جاری کشور بطور عمدتاً از دو انحراف اساسی فوق در خط مشی سیاسی آنها ما به می‌گیرد. بنا بر این هرگونه برخوردی به این تا کتیک‌ها با بدعتاً با در نظر داشت این دو انحراف اساسی صورت گیرد. موضع این ما زمان در قبال مسئله اشغال دانشگاهها نمونه برجسته‌ای از این حرکت و موضعگیری سازگارانه را به ما پیش گذاشت.

بطور خلاصه سیر تکوینی این موضعگیری را دنبال می‌کنیم: "بنا بر این اگر کسی مدعی جنبه چرخی نداشته باشد و در مبارزه با کنگره‌ها که گفته می‌شود بنا بر اساسی انقلابی آسوسش کشور را راه کرده است. می‌تواند نسیب خوبی آنرا از طریق معقول و منطقی به پیش براند. مگر این که به رسمیت نپذیرد و دیگران به بنا بر زکارتی و معالفت نایبانه‌های ما حکم خود مستقلاً بدهد که در یک نظام فدرالیستی سیر برده‌کنی توان آهدها را با فعالیت راداران بطور قانونی و مسالمت‌آمیز منقطع ساخت."

(مجا هشتم و ۲۴ ششم ۳۰ فروردین - تا کتیک‌ارما ست)

مجا هدی در این موضعگیری خود هیچ‌چیز معلوم نمی‌کنند که روی مشخصان با کیفیت بی‌کار و بی‌کلماتی نظیر "تخریقه - انگیزان"، "مشته‌جویی" و... هیچ مطلبی را روشن نمی‌کنند. اما در عوض جملات مجادین متخون است از راه‌های "مقول و منطقی"، "بطور قانونی" و "تصمیمت" به مقامات مسئول. که نسبت به این "سنگ‌های آکا" همی و آزادی چنین سیر حسی روا ندادند! ما هدیین معلوم می‌کنند که از کدام "منطق" و "قانون" صحبت می‌کنند. "منطق" و "قانون" انقلاب یا "منطق" و "قانون" ضد انقلاب؟ عگر شما خودتان استناد داشته‌اشغال دانشگاهها را افشاء نگردید؟ مگر در باره "حزب معلوم الحال" که در سخن نمی‌دهید و مگر شما سرمداران این "حزب" را در شورای انقلاب نمی‌شناسید؟ دیگر آنها مقصیه‌کماست؟ در کجای دنیا مسئله آزادی را با قانون و منطقی حل می‌کنند که یکطرفه است (مقول) شما "تیرمخون و تیرخواه" میرا "فرا ردا و طرف دیگر سرترا طبقات با لنده" تشکیل می‌دهند؟ چه دلیللی وجود دارد که شما این چنین با "ترمش" و "پیرا زانها" پیش می‌گوئید؟ چرا موضع و نظرتان را مریح بیان نمی‌کنید و برای توده‌ها - دارتان در دانشگاهها منظر غوطه‌متی خود را معلوم نمی‌کنید؟ اما ما هدیین با اظهار گلایه‌ای که در نقل قول نسوق نموده‌اند، نشان داده‌اند که از "سی" انما فی طرف مفاصل آزرده‌خاطر شده و از این رنجیده‌اند که به "تاسا زگاری و مخالفت با بندهای حاکمیتهم" شده‌اند. و خواسته‌اند "ریگ کشش" آنها من زندگان را در لای جملات بیچ در بیچ نشان بدهند و چنین اظهار می‌کنند که: "ما اشتباهی نمی‌کنیم. ما طالع لب قانون و منطق هستیم. ما دانشگاهها، این "سنگ‌های آزادی و آکا" را با تسلیم کنیم چرا که ما پذیرفته‌ایم که در چوب آزادی‌ها می‌گردیم اما عطا کرده‌است فعالیت کنیم. چرا که ما قانونی رژیم کنونی را پذیرفته‌ایم. پس بدون جهت همت نزنید!" آری در پس جملات معادین این اعتقاد خواهد بود که ما این فقط یک ادعا نیست. در صورتی که نشان خواهد داد که این تسلیم‌چگونه‌اشکارا صورت می‌گیرد!

مجا هدی در انتهای این اظهار نظر خود می‌گویند: "از کلیه‌اشکارا رکان، دانشمندان، دانشمندان، دانشمندان"

ما و ما رس مالی نیز انتظار داریم که در جنبش ارتباط حاسی نسبت به سرنوشت مراکز آموزشی خود - این سنگ‌های آکا همی و آزادی - بی‌تفاوت نمانند.

(هناجا)  
اگر شما اعتقاد دارید که دانشگاه "سنگ‌های آزادی" است، اگر اعتقاد دارید که این "سنگ" از جمله سنگ‌های سی - شاری است که بدست توانای توده‌ها (و در اینجا دانشجوین انقلابی) در جریان قیام مبارزه‌ایمان ما فتنه شده است، بنا بر این زمانیکه این "سنگ" همانند دیگر سنگ‌های انقلابی چون کردستان، مورد تهاجم و تاراج قرار می‌گیرد تا از آنها با زس گرفته شود یعنی زمانیکه گوش می‌تواند که در این سنگ‌ها، کما کسبت ارتجاع جانشین حاکمیت توده‌ها شده است، آنگاه ای هیچگونه تردیدی وجود دارد که باید در برابر این تهاجم و زوشها عیناً و بی‌مقتصد بود و این "سنگ" را بیگ‌کانون مفاومت تبدیل کرد؟

هرچه جنبش انقلابی، توده‌های وسیع ترواقشار و گروه‌های اجتماعی جدیدتری را در بر می‌گیرد. زنجیر توطئه و سرکوب هیئت‌ها که نیز طول بیشتری می‌یابد و بر تعداد حلقه‌های آن افزوده می‌گردد. حمله به دانشگاهها تنها حلقه‌ای از این زنجیر بر کوب است.

اختلاف میان بنی مدرن و حزب جمهوری اسلامی، در جریان هجوم به دانشگاهها، در هدف نبوده، بلکه در روش بود. هرکدام از آنها، به حکم موقعیت خود برای رسیدن به هدف، روشی را جستجو می‌کرد که موضع استکار عمل او را در این جریان حفظ نماید و امکان تسلطش را بر این نهاد موجود آورد.

مجا هدی به این سئوالات نمی‌توانند بطور کلی پاسخ منفی بدهند. اما از آنجا که کما کسبت ارتجاع را پذیرفته - اند و به نظرم قواستین آن گردن نهاده اند و خود حق نمی‌دهند که با راهزنگیم آزادی ای که رژیم گسترده است. بفراتر می‌گذرانند به ناگزیر به این سئوالات در عرصه عمل و زمانیکه مسئله بطور مشخص مطرح است پاسخ مثبت می‌دهند. ولی عدا کتربا ساری از این "سنگ" را نه از توده‌های مفا و مهمل از جناحی از هیئت حاکمه طلب می‌کنند و تنگنوشکا تا به پیش اومی برسد. جناحی که خود بر این تهاجم و تاراج از (البته در شکل مردمی) ایران معده گذاشته است. درست بدلیل همین تهاجم است که چنین به آنها می‌گوئید می‌افشند. و از توده‌های دانشجو... می‌خواهند نسبت به "سرنوشت مراکز آموزشی خود، بی‌تفاوت نمانند."

آنها دانشجوین انقلابی حق ندارند از شما بخواهند که مفهوم "بی‌تفاوت نماندن" را روشن کنید؟ آنها شما بمنسوان یک ما زمان سیاسی بمنسوان وارث یک ما زمان را می‌نگارند که سنها را گرانها می‌درماند از شما میرا لیستی از خود می‌گذارد. است. موظف نیستید که در قبال دفاع از دانشجوئی - بمنسوان یکی از سرانگرمبا زوات در موزکا شیک - فدا میرا - لیستی دانشجوین انقلابی و یکی از دستاوردهای مهم قیام خویشین خلق که فدا طلبی نیتوانسته است آنرا از زمین بردارد. موضع مریح خودتان را روشن کنید؟ آنها با بدبا عجز و لایسه از "سنگ آزادی و آکا" می‌دفاع کرد؟ "بی‌تفاوت نماندن" را شما معنی نگردید. بدینا نیتوانید در روزهای "بدمعنا"ی دقیق استرا که عبا رت از تسلیم فدا ترسید ارتجاع است در عجل و در موضعگیری خود نشان دهید. "بی‌تفاوت نماندن" - حیران با شید... اگر نتوانستیم از طریق قانونی! و در مذاکره با همدست "حزب معلوم الحال" یعنی "بنی صدر" تهاجمی مریح آنگاه معلوم می‌شود که شما چه کنید! خیر این وضع انقلابی نیست. موضع انقلابی تکلیف یک قبیله‌سای را به شیوه انقلابی حل می‌کند و عمل آزارش نیز بطور روشن نشان میدهد "بی‌تفاوت نماندن" حرفی است که گفته شده است برای اینکه چیزی گفته شود این خاصیت فرست طلبانه، موضعگیری‌های رهبری معادین خلق است.

در مجموع، بحث بر سر مفا و ممت با تسلیم در حالیکه دانشجوین انقلابی در سنگ‌های آزادی مفاومت می‌کردند، مروج و شهید می‌شدند (دانشگاهها و زو...) "مجاهد" ۲۵ منتشر می‌شود. مفا هدی در قسمتی از سرفا لاش زیر شتر "سرنوشت آزادی" آورده است: "در حالی که معنای سیاسی ما هنوز آرا واک و سبک پاک شده و حتی یک فیرت هم در این باره نداده‌اند و می‌دهند، در حالی که فرادها و روابط استعماری هنوز به طور رسمی در جای خود باقی است و در حالی

که... چگونه می‌توان از اسلاب مرهنگی دمزد؟" (مجا هدی ۲۵، بخشه ۵۹/۱/۳)

ما هم جملات بالا را تکرار نموده و از ما هدیین سئوال می‌کنیم که چنین نظامی، نظام حکومتی چه کسانی است؟ آنها در شورای انقلاب با دفتر رئیس جمهور با بدبیر علیها میرا لایسم و عده‌ها کساری صحنه‌های سیاسی از سب و ما واک و... مبارزه و افتاکری نمود؟ آنها این سنگ‌های آزادی که شما از آن نام می‌برید کماست؟ کجا این دنیا در یک نظام استشاری و گرووا سبیه میرا لایسم حدود آزادی را برای نیروهای انقلاب هیئت حاکمه تعیین می‌کند؟ شما که مرتب در انضباط جک و جاسه زدن با هیئت حاکمه (و ممتا صحنه‌های) برای حل مسئله دانشگاهها می‌سوزید، و از راههای "قانونی" سخن می‌گوئید، دوستداران نیستید که حزب جمهوری اسلامی، رئیس جمهور و قانون دستبخت خیرگان برای شما "آزادی" را تشریف نموده و

هرچه جنبش انقلابی، توده‌های وسیع ترواقشار و گروه‌های اجتماعی جدیدتری را در بر می‌گیرد. زنجیر توطئه و سرکوب هیئت‌ها که نیز طول بیشتری می‌یابد و بر تعداد حلقه‌های آن افزوده می‌گردد. حمله به دانشگاهها تنها حلقه‌ای از این زنجیر بر کوب است.

اختلاف میان بنی مدرن و حزب جمهوری اسلامی، در جریان هجوم به دانشگاهها، در هدف نبوده، بلکه در روش بود. هرکدام از آنها، به حکم موقعیت خود برای رسیدن به هدف، روشی را جستجو می‌کرد که موضع استکار عمل او را در این جریان حفظ نماید و امکان تسلطش را بر این نهاد موجود آورد.

حدود آزادی در دانشگاهها را برایتان تعیین نمایند؟ آنها آزادی را توده‌ها کسب نمی‌کنند و از آن با ساری نمی‌مانند؟ پس خط مشی انقلابی شما برای حفظ سنگ‌های آزادی در کجا است؟ در کجایی‌ها این دانشگاهها را در جی کسود و آن کسود را دست به "افتاکری" زده و برای سرنوشت آزادی اظهار رنگرانی می‌کنند! شما در زیر نویس تصویر که از مفا و ممت دانشجوین نوشته‌اید، می‌گوئید: "دانشجوین را سیران هم در راه خود ایستاده و از آن دفاع می‌کنند!" آنها این تحسین و تشعبد شما از یک طرف و موامع پرازا بهام تنگ، دوپهلوی املا عدم مودتگیری شما از طرف دیگر، خواهانده را به اذان کنار گسود نشین که برای کشتی گیران دستور مادمی کندی اندازد؟ و آنها شما معادین "سنگ‌های آزادی" را تکرار می‌نمودند؟

خط مشی مفا و ممت خوبا به شما و رهمندهای عملی‌تان کماست؟ ما هدیین خلق به این موضوع پاسخی نمی‌دهند. آنها به مفا و ممت توده‌ای و توجه به توده‌ها کاری ندارند. آنها "سوز" را "سوز" آوری کرده و چشمه‌ها نا دوخته‌اند. شب یکشنبه ۳۱ فروردین در ارتباط با حمله شما قدران به دفتر مجادین در مشهد به رئیس جمهور تلگراف فوری می‌فرستد و از رئیس جمهور خواستار "مخالفت فوری و قاطع" می‌شوند. آنها "فرا" موش کرده‌اند که بحال چه مقدار از این درخواستها را از این محکوم کردن ها توانسته است شما قدران و بسا دره - سندان با بدبیر جمهوری اسلامی را به اذکار (البته "انقلاب اسلامی") بکشاند. آنها از این شیوه "مبارزه" دست برننداشته و روز بروز بیشتر در آن غرق می‌شوند. آنها فرا موش کرده‌اند که در مردمان شهر بوی را مال در آستانه بیورش به کردستان چه نیروی بسود که از شما دانشمندان مفا فقط نمود. آنها توده‌های هواداری که ممتا قانها پس از اطلاع از اینکه ممکن است فاذنه دفتر معادین حمله کنند بگردند فرجع شده و از جمله عوامل تحریک شده توسط بندهای ارتجاعی جلوگیری می‌کردند. رافرا موش نموده‌اند. اما ما هدیین معادین! این توده‌ها را به عقب کشیده و بدینا ل خط مشی سازگارانه خویش روا نگردید. اند بجای توسل به توده‌ها، بجای اینکه به مبارزات آنها و حقوقی که در این زمینه دارند بنگارید، "بالا چشم" درخته‌اند و به اختلاف میان جناح بنی مدرن و حزب جمهوری اسلامی امید بسته‌اند و بدون آنکه در پی ما هیت این اختلافات با شد، خط مشی خود را بر اساس کیفیت این اختلافات (1) استناد داده‌اند. آنها به رئیس جمهور می‌روند و خواستار "مخالفت فوری" می‌شوند. "فافل" از اینکه می‌توانند در تها آرا بدخواه نیست بلکه از ترور کنندگان برجسته مفا بدوا افکار آزاد، مترقی و انقلابی است. آنها "فافل" آنکه بی‌مدینه می‌خواهد ونه (1) - با ورفی در مفا هدی

# مبارزه با امپریالیسم از مبارزه با ارتجاع داخلی جدا نیست

میتواند از حرکات تگروهای فئالترگبری کند چرا که او همانطور که ما را خودناکند کرده است ، در هدف با رفتنای خود در درون قدرت سیاسی مشترک است و تنها در روش با آنها منالفت دارد .

معا هدین با لخره موضع نشانی خود را در ۶ سند در اعلامیه مورخه ۱۳۹۲/۲/۱ اعلام می کنند ، آنها سرانجام مبعدا زنها دت چندین دانشجوی انقلابی و دهها دانشجوی زخمی ، و در دست در حال نشی کتوده های دانشجوی انقلابی به همراه توده های مردمی که از آنها ن حمایت می کردند ، در برابر با لخره و با سسدا ران مسلح ایستادگی نمودند ، چنین می گویند :

۱- سازمان معا هدین خلق ایران هیچگونه ستاد یا مرکز نمائندگی سیاسی برای افتاء موددر هیچیک از دانشگاهها و مراکز علمی کشور نداشته و ندارد ، و اگر چنین سونه ای موجود است هر کسی که مدعی است میتواند به صورت افتاء نما بد .  
(معا هد ۲۸ ، سنبل از اعلامیه ۱۳۹۲/۱)

این "زرتشتی" و چا یکی را با بدیهه معا هدین خلق شریک گفت ؛ آنها خیلی خوب بیج ارتجاع را بازمی کنند! آنها "سنکرا زادی" را راه کرده ، فرار نموده و مبعدا اعلامی کنند که با شیدا گراست میگویند افتاء کنید! خبر هیئت جا که چنین افتاکری نخواهد کرد ، شیئا از فرمان نوزای انقلاب ایضا است کرده ، بد شما به "موازین قانونی" تعیین شده احترام نگذاشتند شما خیلی راحت این سگرهای ما روزه میخورا تیک - فسد امپریالیستی دانشجویی را معلوم نیست به چه قیمتی رهبا نموده و دودستی تقدیم ارتجاع نموده ، بنا بر این با شما کاری نیست ، دیگر از جانب شما "تشنجی" صورت نگرفته است ، شما به "آشوب" دامین زنده اید ، بنا بر این (الست به خیال خودتان ؛ ارتجاع را هم با شما کاری نیست) اما این اشیا هی است که همه ما زنگاران و همه کسانی که در مقام وقت و مسا رزه شان در برابر ارتجاع دجا رتزلزل می شوند ، به ترکیب میگویند ، شما اگر تصور کنید که با این کوتاه آمدن ها ، ما با این برخورد - های ما زنگاران نمی توانستید ارتجاع را بدست آورده و او راه "راه" سا و بر بدست در اشیا هفتید ، این افول مواضع انقلابی شماست نه "زرتشتی" ارتجاع ، و عیب کارتان هم اینست که اگر به "ارودسته" حزب جمهوری اسلامی می نازید ، از این بگذرید که محتوای این ناخن ، شما از اصولیت کانی هم برخوردار نیست ، ابرو عی به "سنی" مدر "این سوزوای حیله - کرد لجنش کرده ، بد بردا مغرب بیگاری های او افتاء ده اید ، در این راه ما زنگاران نه منافع توده ها (و در این مورد مشخص منافع توده های انقلابی دانشجویان دانشجوئی از منافع جنبش توده ایست (رفادای مواضع انحرافی "خوبش" می کنید ، شما توده های هوادارتان را که در این روزها مشتاقا نه تما بل به همیشگی و هنگامی با دانشجویان داشتند (والیسته سیاسی از آنها برخلاف دیدگا ما زش ظلمانا شما عملا در کنار دانشجو - یان ایستادند) به ما زش با ارتجاع می خوانید .

معا هدین در سنده دیگری از این شا هگا ر خود می گویند :  
"بم تبلیغ دانشگاهها از سکرگروه های دانشجوئی نمی تواند در مورد انجمن ها ش که هم اکنون - ساری از دانشگاهها و مدارس عالی و منحل مرکز دانشگاه تیر سیرا اشغال نموده اند ، عمل نشود ... ( همانجا )

این منتهای "لطف و بزرگاری" است ، راههای "قانونی" مسا رزه و بیای سنده گشتن به "منطق" دشمن از این بیشتر شمری نباید دهد . ما "سکرها بیما ن" را خالی کرده ایم! اما شما هم "حق" ندارید ، ا رودسته و استبه خودتان را در دانشگاهها

(۱) - با ورفنی از صفحه قبل

رئیس جمهور در سخنرانی روز سه شنبه در دانشگاه گفت :  
"... ما این سگرهای که در برابر ملت ما ساخته شود سگرهای شیطان خلقی می کنیم و بدون کمترین ترحم آنها را در می گویم ."

آیا این برای معا هدین خلق که حداقل در لفظ (نه در عمل) دانشگاهها سکرگرا زادی تلقی می کنند کافی نیست شما عواقب اینسهم ما زنگاران خود را در برابر سنی مدر درک نباید؟! و ما معا هدین را روج میدهم به سخنان سنی مدر در مورد زرتوهربران ترکمن که گفت : بن اگر قاضی بودم حکم اعدا م آنها را می دادم و همینطور نظرات و اعمال را سسر در کردستان و ...

نگه دارید! "درخواست ما بدو لخواه نه در عین حال غنسه آوری است ، هیئت جا که ما بندهای درونی آن هریک شکلی ، به سگردا نشگا هجوم آورد تا حاکمیت ارتجاعی خود را خنثی کن ، حاکمیت توده های دانشجوئی ما ، ما به سنا به توم خود را بطور تمام و کمال بر سر این کانون مقامت و مسا رزه بگستراند . معا هدین اما اکنون از رژیم می خواهند که این حاکمیت را برقرار سازد! آنها در زمانیکه سگرهای خود را دودستی و بدون هیچگونه "جشدا نشی" تحویل آنان داده اند ، البته اشکال کار در این است که معا هدین حاکمیت هیئت جا که را شیئا در مراکز نمائندگی "انجمن اسلامی" ... می بینند ، همان - طور که دستا وردهای دانشگاهها که مورد هجوم قرار گرفته است شیئا در مراکز نمائندگی دانشجویان یعنی "در افتاء" حاکمیت آنها خلاص می کنند ، به همین دلیل هم مورد درنگه آنها در تر خود را تحویل دهند و "ارتجاع" (انجمن اسلامی) ... همدفا تر خود را تخلیه نما بد ، مستهل حل شده خواهد بود ، دیگر شکستی بوجود نخواهد آمد ، آیا طرح چنین درخواست فحیرانه ای از رژیم ، بگویای این درک کوتاه بینانه و معدود سگرش می با شد ؟

تهدت نمی زنیم ، واقعیت را بیما ن می کنیم ، زمانیکه معا هدین بن تا بدنا نجفوط می کنند که خواست عال دانه دانشجویان یعنی حفظ سگردا نشگا (و نه شیئا دفا تر و سرا کزفما لیت) بیما ن به کانون آزادی و آگاهی را تا حد خواش تر شما از هیئت جا که و "مشولین امر" برای یک خواست حقیر تنزل میدهند ، یعنی از آنها می خواهند که در حاکمیت رژیم به مراکز نمائندگی دانشجوئی - یان شمشین قائل نشود ، و مراکز نمائندگی "انجمن اسلامی" را نیز ما سندر مراکز نمائندگی دیگر دانشجویان با زبش ستاند ، آیا جز این می توان فنا ورت کرد ؟

آری در این "هشدار" معا هدین مطالب بسیاری هست که در لایحی سطور آن گرایشات صائنا حزا نور در میبندی موج می زند ، این "هشدار" نشانه های زیبا دی بیما ن به ما شای دارنگه روزگاری "حاج سیدجواد" برای "تاء" و "تخت و زیر میبوست" ، در ارتجاع هم "حاج سیدجواد" از این "هشدارها" "سار داده و افتاکری" می نمود ، البته امروز ما دینی همنیست که معا هدین خلق این چنین به لیبیرال - رفرمیست ها شی نظیر "حاج سیدجواد" نزدیکی بیشتری نشان می دهند .

ساری ، از آنجا که در این مقاله محور اصلی اشتداد ما به معا هدین خلق ، اشغال به خط مشی ما زنگاران و تنظیم - طلبیانه آنها در قبال اشغال دفا تر دانشجوئی است ، ا بر داختن به ریزترین برخورد ها که در طی چند روزه ، مواضع لیبیرالی ، معا فطه کارانه و تشنگ نظرا تان را به بیما پیش گذاشت در می گذریم ، اما در یک کلامی گوشش که این مواضع تسلیم طلبیانه و سنا زنگاران معا هدین ، چه خواهند و چه نخواهند به بود ، ارتجاع و تحکیم ما شی قدرت اودریکی دیگر از سگرهای ارتجاع را به خلق - ما دانشگاه - ما شام شد ، مقامت یکبار چه کلیه دانشجویان مسا رزه و انقلابی و کلیه گروه های سیاسی دانشجوئی اگر تحققی می پذیرفت ، شما شی عظیمی از قدرت و مسا رزه را ترسیم می کرد که چه بسا ارتجاع را در عمل به چنین کانون بر قدرت و مقامت دجا رتزد و تزلزل می - ساخت و حداقل اینک یک مرحله تها و زو هجوم او را به دستا ورد - های انقلاب بردا نشگا به عیب می انداخت ، این حرکت منحد - انه و یکبار چه می توانست یا بیج توده عظیمی از دانشجویان - و نه تنها دانشجویان که توده "مردم پیشین" آنان - جمله ای از مقامت و مسا رزه را به بنایش بگذارد و در یک مقطع شکست مفتضا نه ای را نصیب هیئت جا که میماند ، این مقامت و مقامت می توانست ، ارتجاع را به عیب نشینی واداشته ، مواضعه پیش را پیش از پیش افتاء نموده و جنبش خلق را در کلیت خویش گما می به جلو براند ، اما واقعیات عکس این را نشان داد ، تسلیم طلبی و برهیزا مقامت معا هدین (و نه تنها معا هدین) در برابر این هجوم گسترده و مقامت و متعدد دانشجویان را در برابر این نجا و زنگاران تصمد نمود و زسما را در اجسرای نقشه های شوش جری تر ساخت ، این گرایشات ما زنگاران به ارتجاع امکان می داد که با طبیعت سختی به تها حم

دست بزند ، انعاما اینکا رسبا رفیعی بود ، وقتی رژیم می - دهنده یک نیروی سیاسی "دامین شدن به تشنج" ، "حرکت منطقی" و ... راهها به ما زنگاری خویش قرار داده است و مرتب به جناحی از حکومت (سنی مدر) چشم دوخته و در انتظار الطاف است ، چه دلیلش دارد که از اجرای چنین نقشه ای ، آنها با طبیعت هرچه شما مترعدول شما بدو جنگال خون گودش را این با رسمت دانشگاه درازنما بد ؟

بهر حال ، ما در ارتباط با این موضع گیری و ساسر مواضع لیبیرالی و فعالیت ما زنگاران معا هدین سندر - میدهم ، هشدار میدهم که این مواضع ، معا هدین را بتدریج از یک خط مشی مسا رزه جوئیانه و انقلابی ، خط مشی ای در حیت منافع سیاسی انقلاب ، دور می سازد و سمت یک خط مشی تمام عمار لیبیرال - رفرمیستی نزدیک ترمی ما زد ، او ز جوهره انقلابی : بی خط مشی هر روز سبتر می گاهد ، آیا معا هدین بدین هندا رها واقعی خواهند شد ؟ ما فقط می توانیم چنین چیزی را از نو سنا شم .

تئوری "تشنج" یک تئوری رویزیونیستی است ، چرا که عملا به نفعی مسا رزه طبقاتی می - انجامد ، این "تئوری" از توده های خواهد که برای جلوگیری از گسترش بحران سیاسی در جامعه ، دست از مسا رزه و مقامت در حاکمیت عرصه های مسا رزه طبقاتی بردارند .

### سازمان چریکهای فدایی خلق ، توطئه اشغال دانشگاهها و تئوری "تشنج"

ساست عملی یک نیروی انقلابی در قبال جنبش توده ای مک و معا راصیلی است برای شناخت عمیق ترمواع مدید - که ها و نقطه نظرات این نیرو ، جنبش توده ای دانشجویان انقلابی که اخیرا در سراسر خود به سنا ارتجاع و حافظین نظام سرما به ؛ اری و اسبه برخورد نمود دست خدمتگزاران امیر - با لیبیرال که به حماقت و علاج مجهز نبودند برای سرحوبش احساس نمود ، به خط و روش توده ای شما زداشت که نتواند سسر مسائل زیر نظر ارت داشته باشد :

۱- توده انقلابی دانشجویان را در مقابل هجوم وحشیانه ارتجاع مشکل نموده و حول یک برنا هم معین سازمان - دهی کند .

۲- این خط مشی می بایست سربا به مقامت نیوده ای دانشجویان (چرا که جنبش دانشجوئی یک جنبش نیوده ای است و در ما هیت خود رفقی با سایر جنبش های نیوده ای مثلا جنبش خلق کردندار) ، به حماقت توده های آگاه مردم استوار رسیده و در محکمگی در سراسر ارتجاع بوجود آید .

۳- این خط مشی مقامت جوئیانه در عین حال می بایست خلعت و مضمونی افتاکرا نه و تسلیمی داشته باشد ، سنا بتواند حیل و تزویرهای ارتجاع را در دروغ پراکنسی و تا بهما زی خشی و افتاء نما بد .

۴- این خط مشی می بایست با هوشیاری از اوضاع و تکیه بر حماقت توده ها نوع خود ریزه ای از جنگ داخلی (تشنج به مفهوم استاکتاکتیک کوششها ن تادهای درون خلق و قرار دادن مردم در برابر بر مردم) را که رژیم جمهوری اسلامی تدارک دیده بود ، ششینی و به فد خود بر علیه آسان تبدیل نماید ، این هدف در مضمون مقامت جوئیانه و افتاکرا نه خط مشی تجلی می نمود نه سربا به مقامت و مقامت جوئی در برابر توده های نا آگاه مردم که بوسله ارتجاع سبج شده بودند (بشما به یک تا کنیک آسار - ششینی) و با متقا بلا نه سربا به تسلیم و عقب نشینی و اتخاذ موضع منفعل و پاسو .

۵- این خط مشی می بایست مقامت در برابر توده های نا آگاه مردم در ، در صورتی که به کانون مقامت دانشجو - یان سزایی شدند و احتمال ابعاد در گسری

## برقرار باد جمهوری دموکراتیک خلق



میان نود و هفتاد و هشتاد و یک نفر است. این تعداد را می توان به دو دسته تقسیم کرد: ۱- آنهایی که در جریان مبارزه کشته شدند و ۲- آنهایی که در جریان مبارزه زندانی شدند. در این باره باید گفت که در جریان مبارزه، ما با دشمنان متعددی مواجه شدیم. ابتدا با دشمنان داخلی مواجه شدیم که در پی سرنگونی رژیم پهلوی بودند. اما بعد از آن، دشمنان خارجی نیز به ما حمله کردند. در این زمینه، ما با دشمنان متعددی مواجه شدیم که در پی سرنگونی رژیم پهلوی بودند. اما بعد از آن، دشمنان خارجی نیز به ما حمله کردند.

تشنه‌آزمایی‌ها و آزمایش‌ها در این زمینه به ما نشان داد که ما باید در این زمینه تجدید نظر کنیم. ما باید بدانیم که ما در این زمینه به چه اندازه آماده‌ایم. ما باید بدانیم که ما در این زمینه به چه اندازه آماده‌ایم. ما باید بدانیم که ما در این زمینه به چه اندازه آماده‌ایم. ما باید بدانیم که ما در این زمینه به چه اندازه آماده‌ایم.

اما چربیک‌های فدائی خلق چه کردند؟ آنها برغم این ادعا که:

«نه اخراج استادان، معلمان و دانشجویان و نه تعطیل دانشگاه‌ها و مدارس و سرکوب و کشتار دانشجویان و دانش‌آموزان، هیچ‌کدام نخواهد توانست خللی در مقاومت و آرزوی آزادی ما ایجاد کند...»  
اما در واقعیت، آنها در این زمینه به ما حمله کردند. آنها در این زمینه به ما حمله کردند. آنها در این زمینه به ما حمله کردند. آنها در این زمینه به ما حمله کردند.

بعد از ظهر روز دوشنبه اول اردیبهشت، دانشجویان پیغام به تبعیت از سیاست فدائیان در «کمیته‌ها هنگی» تحویل دفتر توپان دادند. ما در این زمینه به ما حمله کردند. ما در این زمینه به ما حمله کردند. ما در این زمینه به ما حمله کردند.

با مداروزه شنبه ۵۹/۲/۲ نوشت:  
«ما زمان دانشجویان پیغام در آخرین ساعات تذبذب (ساعت ۱۱/۳۰) با مودیران بنده ای موافقت خود را با واگذاری ستاد پیغام به دانشجویان و دانشگاهیان دانشگاه تهران اعلام داشت...»

ما در اینجا به مسئله‌ی پرنسپی این رفتار در نقض تعهدات متقابل در جریان یک فعالیت مشترک متحد، که نشان از سکتاریسم و لابی‌داری در پیروان این گونه فعالیت‌هاست نمی‌پردازیم، تنها دربار بر خورده‌ایم به مسئله «مقاومت» در برابر هجوم ارتجاع مختصر سخن می‌گوئیم.

## نایداری در مقاومت و تئوری «عدم تشنج»

گفتم که دانشجویان پیغام به تبعیت از سیاست رفقای فدائی قبل از فرا رسیدن تصمیم مقرر برای گفتگو با مسئولان دانشگاه تا کنکیت صبح از جانب «کمیته‌ها هنگی» در ساعت ۶ صبح روز شنبه شب هنگام بطوریکه نبه دست از مقاومت کشیدند و آن را پایان یافته تلقی کردند. استدلال این رفقا برای آن‌ها این بود که «رژیم می‌خواهد جو را متشنج نموده و آن بزبان شیرهای انقلابی بهره‌برداری کند. بنا بر این ما نباید با کارکنیم که این جو موجودی است و آن را در من بزنیم». این جوهر اصلی استدلال و سیاست آنها برای شکستن زودرس مقاومت دانشجویان در برابر برتقا جسم

(۲) - طبیعتاً ما در حرکت مقاومت جویا نه و مبارزه بیگمیری کسب حقوق دموکراتیک دانشجویان، امری است انکارناپذیر که پس از این نرسیده شکل مختلف می‌تواند و باید آدامه پیدا کند.

ارتجاع بود. این استدلال را فدائیان در اعلامیه‌ها رشنیه ۳ اردیبهشت خود چنین مطرح کرده‌اند:

«ما از همه‌ها در آن خودی‌خواهی‌ها که از سرکوب و تحریکات سازمانها و گروههای کهدیون مسئولیت و شناخت از موقعیت کنونی مانع پیشبرد سیاستهای درست و اصولی می‌شوند اکید خودداری کنند».

این «حرکات» چیزی نبود جز راهیماشی و نمایشات اعتراضی آمیز به منظور افشای کشتار و سرکوب دانشجویان انقلابی از جانب ارتجاع.

دلیل ظاهری برای این راه‌ها شده است: «جلوگیری از تشنج». اما مسئله اساسی این است که دو دیدگاه و دو سیاست کاملاً متضاد در پس این «عبارت» نهفته است. یکم، دیدگاه ما و مولی و درستی که از «تشنج» چیزی جز روبرو قرار گرفتن مردم در برابر یکدیگر با مردم در برابر برتریهای انقلابی، ما من گرفتن تضادهای فرعی و یا کاذب در میان نوده‌ها به جهت تحریکات و توطئه‌چینی‌های ارتجاع و به نحواً اقتضاد

نقش برآوردند و این روز در طول تمام شب آن روز، مقاومت نوده عظیمی از دانشجویان در دانشگاه تهران، جلوه‌ها از آوری خود گرفت. این مقاومت و حمایت دهها هزار نفر از مردم آگاه از آن درخشاها ای اطراف دانشگاه تهران، عملاً با سازمانها و فلاترزا منفرد نموده بودند و آن را به حرکات دیوانه‌وار و روهیستریک و ادارمی نمود.

«تشکرکشی» نوده‌ای از جانب بنی مدرسی روز شنبه تعیین شده بود. سنی مدرسو موا تماماً هیئت حاکمه با توسل به این تاکتیک می‌خواستند نوده مردم آگاه را به مقاومت با دانشجویان مبارز سرانگیزانند. و به آنها خود مردک عوام - فرسایش‌ناهی به هند و بدین طریق کانون مقاومت دانشجویان مبارز را درهم‌کنند. براساس این تاکتیک هیئت حاکمه در روز سه‌شنبه بود که روز قبل از آن، از جانب «کمیته‌ها هنگی» تصمیم‌گیری نشائی در ساعت ۶ صبح روز شنبه، تعیین شده بود، تا برپایه‌های اساسی از شرایط موجود آن لحظیات تاکتیک مناسباً اتخاذ شود که طبیعتاً این تاکتیک نمیتوانست

مجاهدین، در جریان یکسال و چند ماه اخیر، در مبارزه سیاسی، همواره نوده‌های تحت نفوذ خویش را به عقب‌کشانده و بدین‌حال خط مشی سازشکارانه خویش روانه کرده‌اند. آنها بجای توسل به نوده‌ها، بجای تکیه بر مبارزات آنها، به شکافهای «بالا» چشم دوخته‌اند و به اختلاف میان جناح بنی صدر و حزب جمهوری اسلامی امید بسته‌اند و بدون آنکه در پی ما هیئت این اختلافات و شکافها باشند، خط مشی خود را بر اساس کیفیت و عملکرد این اختلافات بنا نهاده‌اند.

جزئیات مقاومت و بدن شکل، جزئیاتی است که با وجود اینکه ممکن است این مقاومت، لحظه دقیق انجام آن و... طبیعتاً می‌بایست در ساعت مقرر شده تعیین و به مرحله اجرا گذاشته می‌شد.

اما رفقای فدائی چه کردند؟ آنها در نوده‌ها و مقاومت یعنی قبل از آنکه اعتراضات بنویسند مردم در دانشگاه و احتمال درگیری متقابل مطرح شده باشد، دست از مقاومت و شستند و جبرمقاومت را در نوده‌ها و ره کردند. این حرکت عملی نشان میداد که در واقع پشت «تئوری عدم تشنج» آنها، سیرانداختن در برابر برتقا جمع ارتجاع و تهدیدات هیئت حاکمه و ترس از لرزیدن نسبت به ضرورت سنگ مقاومت عادلانه و بیگمیری در برابر حمله و حشاشانه ارتجاع نهفته بود. مقاومتی که هم از لحاظ اصولی و هم از لحاظ تاکتیک درستی و ضرورت آنها به اثبات رسیده بود و بنا بر این به هیچ وجه نمی‌توانست تا کنکیت آن رشمیتی باشد. این حرکت نشان می‌داد که ترس از درگیری، میان مردم و دانشجویان (یعنی هدفی که هیئت حاکمه نیز طالب آن بود) نبود که فدائیان را به تشنج (زودرس) و مقاومت ترغیب نموده، بلکه ترس از جدت بحران سیاسی، ترس از بالا رفتن تضاد میان نوده‌ها و هیئت حاکمه، چنین حرکتی را در عرصه عمل باعث میشد. این درک را فدائیان همانطور که گفتیم در روزهای بعدی نگی هر گونه «حرکات» افشاگرانه و بخصوص راهیماشی‌های اعتراضی آمیز، پس از آن هجوم و کشتار ریزرمانه، نشان دادند. چرا که آنها نمی‌خواستند «جومتشنج شود» آنها می‌خواستند «تحریکات» گسترش نیابد. البته واقعیت نیز نشان داد که چه کسانی از این «حرکات غیر مسئولانه» از جانب «تبروهای غیر مسئول» نگران شدند. نوده‌های مردم که در حاشیا با آنها به نظرات افشاگرانه خیره شده بودند و در غالب موارد احساس همدردی میکردند، با هیئت حاکمه که چنین حرکتی را به زبان خود می‌دید، چرا که میدانشانست آنها خنثی کننده تمام مسموم تبلیغاتی آنها در برابر درخواهت روزهای خونین دانشگاه است و ذهن نوده‌های مردم را نسبت به حقایق موجود و ما هیئت حاکمه واقف آگاه میسازد و درست بهمین دلیل است که آنها ایجاد «تشنج» را در دست می‌دانند و آن را کار «فسد انقلاب» قلمداد می‌کنند، چرا که «تشنج» از دیدگاه آنان یعنی مبارزه طبقاتی، یعنی بحران انقلابی و این طبعاً به مزاج آنان سازگار نیست، چرا که چنین تشنجی خلعت افشاگرانه دارد، ما هیئت سیاستها و عملکرد هیئت حاکمه را در بین نوده‌های مردم عربیان می‌سازد و بهمین دلیل است که «تئوری عدم تشنج» به مفهومی که رفقای فدائی تئوریزه کردند در عرصه عمل درخواهت دانشگاه نشان دادند. در

تداوم خویش به نگی مبارزه طبقاتی می‌انجامد و نوده‌ها را در پوشش «ملاحظیات تا کنکیتی» به تسلیم و ترس از لرزیدن در برابر هجوم ارتجاع ترغیب می‌کند. روشن است که ما نمی‌توانیم رفقای

مبارزه طبقاتی را در نظر ندراد. تمام کمونیستهای راستین از دا من گرفتن «تشنج» بدین مفهوم نه تنها بیزارند بلکه می - بایست بیکباره نه‌بنا هویشاری تماماً زگسترش و عملکرد آن تا حد ممکن جلوگیری بعمل آورند. طبیعتاً کمونیستها و تمام انقلابیون راستینی می‌بایست درواختا تا کنکیت‌های خود امر اساسی فوق از ملحوظ نگرداشته باشند.

اما دیدگاه دوم، تئوری «عدم بجاد تشنج» را تا سرحدنی مبارزه طبقاتی، و جلوگیری از زگسترش تشنج فدائی و اقمی و مبارزه انقلابی نوده‌ها، متزل می‌دهد. مجاهدین نمونه بارز و برجسته این دیدگاه را از راه می‌دهند و در جریان حوادث اخیر دانشگاه تهران راه‌ها نده‌اند. رفقای فدائی نیز در جریان این حوادث ابتدا با ترس و در پایان به صورت آشکاری عملاً این تئوری را نصب‌العین حرکت خود قرار داده‌اند.

در رابطه با دیدگاه اول، نقطه نظرات ما در جریان حوادث دانشگاه و مقاومت دانشجویان کاملاً روشن و صریح بود. مرفنظر از خط مشی کلی مقاومت در برابر هجوم ارتجاع، از لحاظ تاکتیک می‌سازد و در حالت در رابطه با این مقاومت پیش‌بینی می‌نمودیم.

الف: تنها مسلمانان به صفوف مقاومت دانشجویان، بوسیله سیاستها سازمان با احیاناً ارتش، در چنین حالتی مقاومت با بداد می‌یافت البته بدیده‌ها هیئت حاکمه با توجه به واقع جاری کشور، تضادهای درون خودش... قادر به سرکوب و کشتار وسیع و همه‌جانبه نبود و با قطع امید و اقمیت در ملاحظیات تا کنکیتی ما موثری افتاد. ب: هجوم از طرف دستجات فلاترزا و با نشان مرجع با سنگ و چماق و... صورت میگرفت که در چنین صورتی نیز میبایست مقاومت کماکان ادامه یافته و با هجوم آنان مقا بله میشد.

ج: نوده‌های مردم آگاه، با تحریک و برانگیختگی هیئت حاکمه، قصد مقا بله جوئی با مفوف متشکل و مقاومت دانشجویان را میکردند. در چنین صورتی مقاومت قبل از آنکه کوچکترین روبروئی و درگیری بوجود آید میبایست شکست می‌شود و مراکز مقاومت بنا بر تضاد می‌گردد که طبیعتاً این تخلیه به معنای دست‌یابی ارتجاع برآن بود. بدین ترتیب هرگونه تا کنکیتی که مقاومت را در دو تکتک اول رد میگرداند مورد تردید قرار میدهد. تاکتیک بی‌سود تسلیم طلبانه و سازشکارانه و متقا بلاهر دیدگاه می‌مقاومت در شکل سوم، یعنی مقاومت در برابر مردم را تجویز می‌نمود، و با در جریان عمل چنین تاکتیک و در پیش میگرفت، باید - گاه و تا کنکیتی آن رشمیتی بود، که عملاً به آسباب توطئه - های ارتجاع می‌رسد.

همانطور که سیر حوادث نیز نشان داد، تمام توطئه‌های هیئت حاکمه در روز و شنبه برای شکستن مقاومت قهرمانان ما دانشجویان، از طریق هجوم با سازمان دستجات فلاترزا،

# رویزیونیسم را در هر پوششی افشا و طرد کنیم

تشنج" و "ممانعت از گسترش تحریکات"! این محتوا و حسان کلام فداشیا ن خلق در برابر توطئه اشغال دانشگاه است. آیا شما بدین زمان ج. ف. خ. نیز در پیسودن جنس راهی هتار داد؟

دربایان نکته ای را نیز در باب مذاکره با بنی صدر قابل توضیح می دانیم:

### رابطه مذاکره با بنی صدر و تئوری تشنج

شکی نیست که تا کنون مذاکره با ارتجاع زمانی که تا نظریه مقاومت بوده ای و فشار از باطن باشد، کاملاً جایز است و اینها و آنجا میتوان برای بالا بردن آگاهیه توده ها

تا در پس آن به دستاوردهای انقلاب و جنبش انقلابی توده ها هجوم برد. در پس این توطئه می گویند که کوشش ما در زمینه مبارزه و مقاومت را یک سرکوب و خاموشی نامید. تشنج با مقاومت و افشای سیاست های رژیم و اهداف توطئه جینا نه آنهاست که میتوان "تشنج" بدین معنی را خنثی نمود. تسلیم و سازش در برابر ارتجاع تحت پوشش جلوگیری از "تشنج" تشنجها ارتجاع را جری ترمی کند تا با زهم به دام زدن به تفاهای کذاب در میان مردم و پیشبرد شیوه های توطئه امیز خود ادامه دهد. تسلیم، ارتجاع را به جلومی راند و مقاومت، آن را به عقب می کشاند. تشنج زمانی میتوان مبارزه توده ها را از افتادن به مجاری انحرافی ای که بوسیله رژیم ایجاد شده اند، نا از تداوم انقلاب جلوگیری نماید، با زدن تشنجها با افشاکاری و شرکت عملی در مبارزات توده ای و سازماندهی آن مبارزه طبقاتی را در میان زدواین مبارزه را بر علیه تمام مظاهر اهرانی جامعه طبقاتی، بر علیه سرمایه داری و بسته ورژیم ساسی حامی آن گسترده تر نمود. فقط در این صورت است که میتوان

فدائی اکنون چنین خط مشی ای را دنبال می کنند بلکه ما می گوئیم حرکت عملی آنها در جریان این حوادث و مضمون اعلامیه های که از آن نقل کردیم، چنین تئوری تسلیم طلبانه ای را در پشت خود نهفته داده است. برای روشن شدن مسئله کمی بیشتر بر ما "تئوری عدم تشنج" به همان مفهوم تسلیم طلبانه آن توضیح می دهیم.

ما تئوری "تشنج" را یک تئوری روبرویونستی میدانیم چرا که عملاً به نفعی مبارزه طبقاتی می انجامد. این "تئوری" از توده ها می خواهد که برای جلوگیری از گسترش بحران سیاسی در جامعه، دست از مبارزه و مقاومت در عرصه های مبارزه طبقاتی بردارند. در پس این "تئوری" یک مسئله اساسی مخدوش میگردد. همانطور که گفتیم ایجاد "تشنج" و "بحران" در جامعه، اگر به معنای جلوگیری از زدن و عملگردها در معنای کاذب در میان توده ها و به عبارت دیگر به معنای جلوگیری و مانع از اقرار گرفتن توده های مردم در برابر بریکدیگر و یا توده های نا آگاه مردم در برابر نیروهای انقلابی، تحکیم تحریکات و توطئه های فدا انقلاب باشد، ما نیز با آن موافقیم و می بینیم که به هر طریق ممکن از "تشنج" به چنین معنای کاذب جلوگیری کرد. اما مسئله اساسی این است که اولاً چگونه میتوان از چنین "تشنج" جلوگیری کرد و در ثانی با بدین معنای "تشنج" به این معنای "تشنج" به معنای که در رژیم هر روز و هیز ساعت آن را با کرمی گیرد، یعنی به معنای مبارزه طبقاتی، مبارزه دمکراتیک و فدا میرا لیبستی واقعی توده های مردم اما با فرق قابل شد. فداشیا ن خلق این دو نکته اساسی را از دیده فروری اندازند و لاخرم به دامان یک تئوری روبرویونستی می افتند. چه کسی تشنج به معنای این زدن تشنج تها دهی کاذب در پس توده ها، به منظور خاموش کردن تشنج تها دهی واقعی اجتماعی را بوجومی آورد؟ آیا جز هیست حاکم که روزان و شبان در پی توطئه جینی، تفرقه اندازی ایجاد و تقاب میان توده ها و نیروهای انقلابی است؟ کسی گماننا بدین سخنها متفی باشد. اما چگونه با بدین چنین شیوه های ارتجاعی مبارزه؟ جز با زدن به مبارزه طبقاتی و هدایت تها دهی واقعی در یک مجرای صحیح؟ جز با افشای ما هیت و برنامهای توطئه گرانه و تقاب جویانه هیت حاکم و تمامی عوامل ارتجاع؟ چگونه میتوان توده ها را از افتادن به دامان تها دهی کاذب و مورد دستار ارتجاع باز داشت؟ آیا با فرا خواندن آنان به تسلیم و رها دست زدن به مبارزه طبقاتی؟

استدلال چریکهای فداشیا ن خلق برای عدم ادامه راه (عدم ادامه مقاومت در برابر تها جم ارتجاع به دانشگاه) این بود که: "رژیم می خواهد جورا متشنج نموده و از آن بزبان نیرو-های انقلابی بهره برداری کند. بنا بر این ما نباید کاری کنیم که این جوی وجود پیدا و آنرا دا من بزیم". این جوهر اساسی استدلال و سیاست آنها در جریان شکستن مقاومت دانشجویان، بیان در برابر تها جم ارتجاع بود.

نسبت به ما هیت فدا انقلاب و غیره از آن استغاده کرد و در مورد حوادث دانشگاه نیز این قاعده وجود داشت. اما مذاکره ای که دانشجویان پیشگام ما بنی صدر به عمل آوردند نه از موضع یک مذاکره اصولی و بر پایه فشار از باطن و بعنوان مکمل آن بلکه بر پایه همان تئوری "تشنج" فداشیا ن خلق و در واقع برای تعیین نوع تسلیم در مقابل هیست حاکم صورت می گرفت. آنها مذاکره میکردند تا به این نتیجه برسند که چگونه و به چه شکلی مقاومت را در موردی که در آغاز آن سخن گفتیم بکنند؟ و گرنه سیاست اعلام شده بنی صدر که عبارت از ولتیماتوم به دانشجویان آگاه و انقلابی برای ترک فدا تر خود و در غیر این صورت لشکر کشی به دانشگاه بود، دیگر ابهامی برای دانشجویان آگاه و انقلابی نگذاشته بود که مقاومت را تا حد امکان ادامه دهند. یعنی فقط در صورت رودر و رقا گرفتن با مردم مقاومت خود را بشکلی که بیش میرفت بشکنند. ■

از اینجا دیگران های کاذب در جامعه که نه حاصل مقاومت و مبارزه واقعی توده ها، بلکه حاصل توطئه ها و سیاستهای ریاکارانه رژیم و حاصل ترک سنگر مقاومت و مبارزه بر علیه هجوم ارتجاع است، جلوگیری نمود.

چنین است معنا و مفهوم "عدم ایجاد تشنج" و "ممانعت از گسترش تحریکات". بنا بر این آیا ما حق داریم بگوئیم که این تئوری روبرویونستی، یک تئوری تسلیم طلبانه و بایستی است؟

بر این پایه ما معتقدیم که ما زمان چریکهای فداشیا ن خلق در اتحاد این تاکتیک خود نیز عرصه کارلوشنی از گرایشات روبرویونستی و راست روانه را بنماش گذاشت. توسل به قدرت حاکم و رها کردن توده ها، بنیمه کاری، بتزلزل و با لاسره تسلیم سنگردر پشت شعار روبرویونستی و توجه کارانه "عدم

هیست حاکم خود به تها دهی کاذب در میان مردم، که توهوم آگاهیه زمینه رشد آن را فراهم کرده است دا من میزند



دانشجویان آگاه و انقلابی را نه بیورش با سداران و تشنج حمله جما قدران و چاقو کشان و نه زدن و نه حتی تشیارات از فعالیت سیاسی یعنی خدمت به زمینکنان باز نخواهد داشت!

پیش بسوی مبارزه ایدئولوژیک ضامن وحدت جنبش کمونیستی